

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



۱۰۰۰

پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده متون فقه



تدوین:
محسن سَیْنَجَلِی

انتشارات چتر دانش

دانش‌پژوه گرامی
لطفاً قبل از مطالعه کتاب به درست‌نامه
مندرج در انتهای کتاب مراجعه کنید.

سؤالات

- فصل ۱ : سؤالات باب القضاء ۹
- فصل ۲ : سؤالات باب الشهادات ۲۰
- فصل ۳ : سؤالات باب الوقف ۳۰
- فصل ۴ : سؤالات باب العطية ۳۴
- فصل ۵ : سؤالات باب المتاجر ۳۶
- فصل ۶ : سؤالات باب الدين ۶۵
- فصل ۷ : سؤالات باب الرهن ۶۹
- فصل ۸ : سؤالات باب الحجر ۷۵
- فصل ۹ : سؤالات باب الضمان ۷۸
- فصل ۱۰ : سؤالات باب الحوالة ۸۱
- فصل ۱۱ : سؤالات باب الكفالة ۸۴
- فصل ۱۲ : سؤالات باب الصلح ۸۵
- فصل ۱۳ : سؤالات باب الشركة ۸۸
- فصل ۱۴ : سؤالات باب المضاربة ۹۰
- فصل ۱۵ : سؤالات باب الوديعة ۹۳
- فصل ۱۶ : سؤالات باب العارية ۹۵
- فصل ۱۷ : سؤالات باب المزارعة ۹۸
- فصل ۱۸ : سؤالات باب المساقات ۱۰۰
- فصل ۱۹ : سؤالات باب الإجارة ۱۰۱
- فصل ۲۰ : سؤالات باب الوكالة ۱۰۹
- فصل ۲۱ : سؤالات باب الشفعة ۱۱۲
- فصل ۲۲ : سؤالات باب الرماية ۱۱۵
- فصل ۲۳ : سؤالات باب الجعالة ۱۱۶
- فصل ۲۴ : سؤالات باب الوصايا ۱۱۹
- فصل ۲۵ : سؤالات باب النكاح ۱۲۴
- فصل ۲۶ : سؤالات باب الطلاق ۱۴۴
- فصل ۲۷ : سؤالات باب الخلع و المبارات ۱۴۹
- فصل ۲۸ : سؤالات باب اللعان ۱۵۰
- فصل ۲۹ : سؤالات باب الاقرار ۱۵۱

١٥٣	فصل ٣٠: سوالات باب الغصب
١٥٧	فصل ٣١: سوالات باب الميراث
١٦٩	فصل ٣٢: سوالات باب الحدود
١٩٧	فصل ٣٣: سوالات باب القصاص
٢١١	فصل ٣٤: سوالات باب الديات
٢٢٣	فصل ٣٥: سوالات باب احياء الموات
٢٢٥	فصل ٣٦: سوالات باب الجهاد

پاسخنامه

٢٢٢	فصل ١: پاسخنامه باب القضا
٢٥٦	فصل ٢: پاسخنامه باب الشهادات
٢٦٩	فصل ٣: پاسخنامه باب الوقف
٢٧٥	فصل ٤: پاسخنامه باب العطية
٢٧٨	فصل ٥: پاسخنامه باب المتاجر
٣١٤	فصل ٦: پاسخنامه باب الدين
٣١٩	فصل ٧: پاسخنامه باب الرهن
٣٢٨	فصل ٨: پاسخنامه باب الحجر
٣٣٢	فصل ٩: پاسخنامه باب الضمان
٣٣٦	فصل ١٠: پاسخنامه باب الحوالة
٣٣٩	فصل ١١: پاسخنامه باب الكفالة
٣٤١	فصل ١٢: پاسخنامه باب الصلح
٣٤٤	فصل ١٣: پاسخنامه باب الشركة
٣٤٧	فصل ١٤: پاسخنامه باب مضاربة
٣٥٠	فصل ١٥: پاسخنامه باب الوديعة
٣٥٢	فصل ١٦: پاسخنامه باب العارية
٣٥٦	فصل ١٧: پاسخنامه باب المزارعة
٣٥٩	فصل ١٨: پاسخنامه باب المساقات
٣٦٠	فصل ١٩: پاسخنامه باب الاجارة
٣٧٠	فصل ٢٠: پاسخنامه باب الوكالة
٣٧٤	فصل ٢١: پاسخنامه باب الشفعة
٣٧٧	فصل ٢٢: پاسخنامه باب سبي و الرماية

فصل ۲۳: پاسخنانه باب الجعالة.....	۳۷۸
فصل ۲۴: پاسخنانه باب الوصايا.....	۳۸۲
فصل ۲۵: پاسخنانه باب النكاح.....	۳۸۷
فصل ۲۶: پاسخنانه باب الطلاق.....	۴۱۱
فصل ۲۷: پاسخنانه باب الخلع و المبرات	۴۱۷
فصل ۲۸: پاسخنانه باب اللعان.....	۴۱۸
فصل ۲۹: پاسخنانه باب الاقرار	۴۱۹
فصل ۳۰: پاسخنانه باب الغصب	۴۲۱
فصل ۳۱: پاسخنانه باب الميراث	۴۲۶
فصل ۳۲: پاسخنانه باب الحدود	۴۳۹
فصل ۳۳: پاسخنانه باب القصاص	۴۷۰
فصل ۳۴: پاسخنانه باب الديات.....	۴۸۴
فصل ۳۵: پاسخنانه باب احيا:الموات.....	۴۹۶
فصل ۳۶: پاسخنانه باب الجهاد.....	۴۹۸
سؤالات آزمون دکتری سراسری ۱۳۹۵	۵۱۲
پاسخنانه آزمون دکتری سراسری ۱۳۹۵	۵۱۷
سؤالات آزمون دکتری حقوق بين المللی ۱۳۹۶	۵۲۱
پاسخنانه آزمون دکتری حقوق بين المللی ۱۳۹۶	۵۲۶
سؤالات آزمون دکتری جزا و جرم‌شناسی ۱۳۹۶	۵۲۹
پاسخنانه آزمون دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی ۱۳۹۶	۵۳۶
سؤالات آزمون دکتری حقوق خصوصى ۱۳۹۶	۵۴۰
پاسخنانه آزمون دکتری حقوق خصوصى ۱۳۹۶	۵۴۸
سؤالات آزمون دکتری حقوق عمومى ۱۳۹۶	۵۵۴
پاسخنانه آزمون دکتری حقوق عمومى ۱۳۹۶	۵۶۰
سؤالات آزمون ارشد سراسرى ۱۳۹۶	۵۶۳
پاسخنانه آزمون ارشد سراسرى ۱۳۹۶	۵۶۸
سؤالات آزمون ارشد سراسرى ۱۳۹۷	۵۷۳
پاسخنانه آزمون ارشد سراسرى ۱۳۹۷	۵۷۸
سؤالات آزمون ارشد سراسرى ۱۳۹۸	۵۸۳
پاسخنانه آزمون ارشد سراسرى ۱۳۹۸	۵۹۰
درستنامه	۵۹۵

بسمه تعالی

این کتاب که هم اکنون در اختیار دارید دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد:

(۱) ۱۰۰۰ تست طبقه‌بندی شده از کتاب القضاء تا کتاب الدیات و البته کتاب الجهاد به همراه دارد.

(۲) پاسخنامه سؤالات کاملاً تشریحی می‌باشد.

(۳) این مجموعه از آزمون‌های: دکتری حقوق عمومی و حقوق جزا و جرم‌شناسی و حقوق خصوصی و حقوق بین‌الملل و آزمون‌های قضاوت و آزمون‌های سراسری حقوق و الهیات گردآوری شده است.

داوطلبان عزیز برای استفاده از نکات تکمیلی و چکیده متون فقه می‌توانند به آدرس اینستاگرام [mohsen.sayanjali](https://www.instagram.com/mohsen.sayanjali) مراجعه کنند و همچنین با شماره تلگرامی ۰۹۹۱۰۶۰۵۰۹۰ ارتباط برقرار کنند.

سؤالات

سؤال‌ات باب القضاء

فصل

(سراسری - ۱۳۹۱)

کدام مورد برای قاضی جایز است؟

- ۱) الارتزاق من بيت المال مع الحاجة و عدم تعین القضاء عليه فقط
- ۲) اخذ الجعل و الاجره من غير الخصوم
- ۳) الارتزاق من بيت المال مع الحاجة و ان تعین القضاء عليه
- ۴) اخذ الجعل و الاجره من الخصوم

(دکتری حقوق عمومی - ۱۳۹۱)

کدام حکم در حق قاضی از احکام الزامی قضاوت است؟

- ۱) حرمة تلقين أحد الخصمين حجته
- ۲) وجوب ترغيب الخصمين في الصلح
- ۳) وجوب التسوية بين مجلس الخصمين: المسلم و الكافر
- ۴) وجوب التسوية بين الخصمين في الميل القلبي

(دکتری حقوق بین الملل - ۱۳۹۲)

انجام کدام عمل بر «قاضی» مکروه است؟

- ۱) ان يداخله في الشهادة
- ۲) ان يرغبة في اقامة الشهادة اذا وجده مترددا
- ۳) ان يكف عن الشاهد حتى ينتهي ما عنده و ان لم يفد
- ۴) ان يعنت الشهود اذا كانوا من اهل البصيرة بالتحزير

(دکتری حقوق عمومی - ۱۳۹۲)

انجام کدام کار بر قاضی حرام است؟

- ۱) ان يشفع الى المستحق في اسقاط حق
- ۲) ان يرفع المسلم على الكافر في المجالس
- ۳) ان يجلس المسلم مع قيام الكافر
- ۴) ان تلقين احد الخصمين حجته

۵ نظر شهید ثانی در مورد اثبات طلاق خلع چیست؟ (تألیفی)

- ۱) لا یثبت بشاهد و امرأ تین مطلقاً
- ۲) لا یثبت بشاهد و امرأتین إذا کان المدعی هو المرأة
- ۳) لا یثبت بشاهد و امرأتین إذا کان المدعی هو الرجل
- ۴) یثبت بشاهد و یمین مطلقاً

۶ هرگاه به مسلمان و کافری به عنوان مدعی و یا منکر قسم توجه نماید سوگند در صورتی معتبر است که ... (دکتری حقوق بین‌الملل - ۱۳۹۳)

- ۱) هر یک از مسلمان و کافر به خدا و اسماء خاصه او قسم یاد کنند.
- ۲) مسلمان باید به خدا و کافر نیز به هر امر الزام‌آور در مذهبشان سوگند بخورد.
- ۳) مسلمان می‌تواند به خدا و یا قرآن کریم و کافر نیز به خدا و کتاب آسمانی خویش سوگند بخورد.
- ۴) مسلمان به خدا و یا قرآن و یا پیامبر خویش و کافر نیز به خدا و یا کتاب آسمانی و یا پیامبر خود قسم یاد کند.

۷ در جمله «هل یجوز ارتزاق القاضی و القاسم من بیت المال ام لا؟» مراد از کلمه «القاسم» کدام است؟ (دکتری حقوق بین‌الملل - ۱۳۹۳)

- ۱) کسی که از سوی قاضی، مأمور قسم دادن مدعی است.
- ۲) کسی که از سوی قاضی، مأمور قسم دادن منکر است.
- ۳) کسی که در دادگاه، قسم به او متوجه شده است.
- ۴) تقسیم‌کننده مال از سوی امام یا نایب امام

۸ معنی صحیح «کما تحرم الرشوه علی المرتشی تحرم علی المعطى لاعانته علی الاثم» در کدام گزینه آمده است؟

(دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی - ۱۳۹۳)

- ۱) همان‌طوری که دریافت رشوه حرام است راشی هم، چون معاون جرم است مرتکب حرام شده است.
- ۲) همان‌گونه که دادن رشوه حرام است، معاونت در آن هم حرام و معاونت در گناه است.
- ۳) همان‌گونه که گرفتن رشوه حرام است دادن آن نیز به دلیل کمک بر

گناه حرام است.

۴) همان طوری که دادن رشوه حرام است گرفتن آن هم حتی توسط واسطه حرام و کمک به جرم است.

۹

کدام مورد از مصادیق «المرتزقه من بیت المال» به شمار می‌رود؟
(دکتری حقوق خصوصی-۱۳۹۳)

- ۱) قاضی غیرمحتاجی که قضاوت بر او متعین است
- ۲) قاضی غیرمحتاج مطلقاً
- ۳) قاسم
- ۴) قاضی غیرمحتاجی که قضاوت بر او متعین نشده است

۱۰

«و لا بد فی القاضی المنصوب من الامام من الکمال والعدالة و اهلیه الافتاء و الذکوره و الکتابه و البصر». شرط «ایمان» در کدام یک از اوصاف فوق، داخل است؟
(دکتری حقوق خصوصی-۱۳۹۳)

۱) عدالت ۲) کمال ۳) بصر ۴) اهلیت افتاء

۱۱

«مجرد یمین» در «حطیم» مصداق چه نوع «تغلیظ» است؟
(دکتری حقوق خصوصی-۱۳۹۳)

- ۱) زمانی
- ۲) مکانی
- ۳) محرم
- ۴) زبانی (قولی)

۱۲

«لا يجوز الجعل و لا الاجرة من الخصوم و لا من غیرهم لانه فی معنی الرشا». ضبط و اعراب درست کلمه «الجعل» کدام است؟

- ۱) الْجَعْلُ
- ۲) الجَعْلُ
- ۳) الْجَعَلَ
- ۴) الْجَعَلُ

۱۳

کدام یک از موارد زیر با یک شاهد و قسم پذیرفته می‌شود؟

- ۱) وکالت
- ۲) نکاح
- ۳) عیوب مردان
- ۴) قتل کافر توسط مسلمان

۱۴

در عبارت «لو طلب احد الشریکین المهایاة جاز و لم یجب اجابته»، کلمه «مهایاة» به کدام معنی است؟ (دکتری حقوق خصوصی-۱۳۹۳)

- ۱) قسمة مال المشترك او منفعتہ
- ۲) قسمة المنفعة بالاجزاء او الزمان

۳) قسمة مال المشترك ان كان فيها ردُّ

۴) قسمة مال المشترك و ان لم يكن فيها ردُّ

در عبارت زیر، قاضی تحکیم به کدام معنی است؟

۱۵

(دکتری حقوق عمومی-۱۳۹۴)

«قاضی التحکیم و هو الذی تراضی به الخصمان لیحکم بینهما مع

وجود قاض منصوص من قبل الامام (علیه السلام) و ذلك فی حال حضوره.»

۱) شخصی است که در زمان حضور امام (علیه السلام)، از سوی قاضی منصوص توسط امام معصوم (علیه السلام) برای داوری برگزیده شده است.

۲) همان قاضی منصوص از جانب امام (علیه السلام) است.

۳) شخصی است که در زمان غیبت، متصدی امر قضاوت در میان مردم می‌شود.

۴) شخصی است که دو طرف دعوی رضایت داده‌اند که در میانشان حکم

کند، در زمانی که قاضی منصوص از جانب امام (علیه السلام) وجود دارد.

با توجه به عبارت زیر، منکر چه کسی است؟

۱۶

(دکتری حقوق عمومی-۱۳۹۴)

«المدعی هو الذی یترک لو ترک الخصومة و هو المعبر عنه بانه الذی

یُخَلَّى و سکوته و قیل هو من ینخالف قوله الاصل او الظاهر والمنکر

مقابله فی الجمیع.»

۱) قولش موافق با اصل یا ظاهر است و اگر دعوی را رها کند، به حال خود رها نمی‌شود.

۲) قولش مخالف اصل است.

۳) اگر سکوت کند، به حال خود رها می‌شود.

۴) قولش موافق اصل عملی است، ولی مخالف ظاهر است.

مقصود از واژه «حکم» در جمله زیر چیست؟

۱۷

(دکتری حقوق عمومی-۱۳۹۴)

«الحکم بین الناس واجب کفایة فی حق الصالحین له، الا انه مع حضور

الامام و وظيفة الامام علیه السلام او نائبه.»

۱) اجرای حدود

۲) حکومت بر مردم

۳) کمیت یا داوری

۴) قضاء

۱۸

مراد از «بصر» در عبارت زیر، کدام است؟ (سراسری-۱۳۹۳)
«و لابد فی القاضی المنسوب من الامام من الکمال و العداله و اهلیه
الافتاء و الذکوره و الکتابه و البصر»

- (۱) بینا بودن
(۲) بصیرت دینی داشتن
(۳) بصیرت فقهی داشتن
(۴) بصیرت قضایی داشتن

۱۹

مجرد «بیمین» در کدام قسمت از محدوده مساجد معمول، مصداق یکی
از اقسام «تغلیظ» است؟ (سراسری-۱۳۹۳)

- (۱) محراب
(۲) تمام شبستان اصلی
(۳) تمام شبستان و صحن
(۴) محل برپایی صف اول در جماعت

۲۰

کدام مورد، بر قاضی حرام است؟ (سراسری-۱۳۹۴)

- (۱) تلقین احدالخصمین حجتّه
(۲) ترغیب الخمصین فی الصلح
(۳) الشفاعة الی المستحق فی اسقاط حق او الی المدعی فی ابطال دعوی
(۴) القضاوه مع اشتغال القلب بنعاس او همّ او غضب

۲۱

در کدام مورد، حالف نمی تواند به طور قاطع سوگند بخورد؟

(سراسری-۱۳۹۴)

- (۱) فعل نفسه
(۲) ترک فعل نفسه
(۳) نفی فعل غیره
(۴) فعل غیره

۲۲

کدام مورد، صحیح است؟ (سراسری-۱۳۹۴)

- (۱) یحرم علی القاضی اخذ الاجره و یجوز ارتزاقه من بیت المال مع الحاجة.
(۲) یجوز للقاضی اخذ الاجره لو احتاج الیه و کذا الارتزاق من بیت المال.
(۳) یحرم علی القاضی اخذ الاجره و یجوز ارتزاقه من بیت المال لو تعین
القضاء علیه.
(۴) یحرم علی القاضی اخذ الاجره و الارتزاق من بیت المال لو تعین القضاء علیه.

۲۳

لا تنعقد الیمین الموجهه للحق من المدعی او المسقطه للدعوی من
المنکر الا (سراسری-۱۳۹۴)

پاسخنامه

فصل

گزینه ۳ همان طور که می‌دانید یکسری امور بر قاضی جایز است، مثل:

روزی خوردن از بیت‌المال در صورت نیاز قاضی، یعنی به خاطر نبودن مال یا دسترسی نداشتن به مال، خواه قضاوت بر او واجب عینی باشد و خواه نباشد، زیرا بیت‌المال برای مصالح مسلمانان آماده شده و قاضی از بالاترین مصالح است. اما گرفتن مقرری و یا مزد از صاحبان دعوا و نیز غیر آنها، جایز نیست، چون آن مال در معنای رشوه است. همچنین رشوه گرفتن بر قاضی حرام است و تلقین کردن راه استدلال به یکی از طرفین نزاع توسط قاضی حرام است. پس از صدور حکم و ثابت شدن حق، بر قاضی مکروه است که در مورد اسقاط حق صاحب حق وساطت کند و از او تقاضا کند که از حق خود بگذرد و یا در مورد باطل کردن ادعای مدعی وساطت کند، همچنین قضاوت کردن در حالت مشغولیت قلبی به خاطر چرت زدن یا گرسنگی و... مکروه است، اما چون سؤال پرسیده است که کدام مورد جایز است، گزینه «۱ و ۲» که رد می‌شوند و گزینه «۴» چون از لفظ «فقط» استفاده کرده است، رد می‌شود و جواب این سؤال گزینه «۳» است.

گزینه ۱ اشاره دارد که بر قاضی نصیحت طرفین و دعوت آن‌ها

به سازش، واجب است که غلط است و رد می‌شود، چون مستحب است. گزینه «۳» اشاره دارد که بر قاضی هنگامی که دو طرف نزاع، مسلمان و کافر هستند، رعایت نشستن واجب است که غلط و رد می‌شود، چون می‌تواند به مسلمان بگوید، تو بنشین و به کافر بگویی که بایست. گزینه «۴» بیان می‌دارد که قاضی در میل قلبی میان دو نفر نزاع باید، رعایت کند، اما این گزینه هم رد می‌شود، چون بر قاضی واجب نیست. اما گزینه «۱» بیان می‌دارد که، تلقین کردن راه استدلال به یکی از طرفین نزاع، توسط قاضی، حرام است که صحیح است و جواب این سؤال است.

گزینه ۴ بر قاضی حرام است که شاهد را به تردید بیندازد، یعنی در گواهی

شاهد مداخله کند، لذا گزینه «۱» رد می‌شود. بر قاضی حرام است در صورتی که شاهد را در گفتارش مردد ببندد، او را به اقامه شهادت تشویق کند، لذا گزینه «۲» هم رد می‌شود. بر قاضی واجب است که از افزودن هر کلامی پس از کلام شاهد خودداری کند تا آنچه نزد شاهد است به پایان برسد، هرچند کلام وی چیزی را ثابت نکند، لذا گزینه «۳» هم رد می‌شود. اما بر قاضی مکروه است که شهود را به سختی بیندازد، به این صورت که آنها را از هم جدا نماید، البته هر گاه شهود اهل بصیرت باشند، لذا جواب این سؤال گزینه «۴» است.

۴ گزینه ۴ اینکه قاضی بعد از صدور حکم و ثابت شدن حق، در مورد اسقاط صاحب حق وساطت کند، بر او مکروه است، لذا گزینه «۱» رد می‌شود. قاضی می‌تواند در نشستن، مسلمان را بر کافر برتری دهد، لذا گزینه «۲» رد می‌شود. قاضی می‌تواند به مسلمان بگوید بنشین و به کافر بگوید بایست، لذا گزینه «۳» هم رد می‌شود. اما تلقین یعنی یاد دادن راه استدلال به یکی از طرفین نزاع بر قاضی حرام است، لذا گزینه «۴» جواب این سؤال است.

۵ گزینه ۲ در باب اثبات طلاق خلع، نظر شهید اول آن است که، طلاق خلع مطلقاً یعنی چه توسط مرد باشد و یا زن باشد، با یک شاهد مرد و دو شاهد زن یا با یک شاهد مرد و قسم اثبات نمی‌شود. اما شهید ثانی قائل است که اگر مدعی زن باشد با یک شاهد مرد و دو شاهد زن یا با یک شاهد مرد و قسم ثابت نمی‌شود ولی اگر مدعی مرد باشد با یک شاهد مرد و دو زن ثابت می‌شود، لذا جواب این سؤال گزینه «۲» است.

۶ گزینه ۱ سوگندی که مدعی برای اثبات حق می‌خورد و یا سوگندی که منکر برای اسقاط دعوی مدعی می‌خورد، جز با لفظ جلاله «الله» و نامهای مخصوص خداوند منعقد نمی‌شود، خواه سوگند خورنده مسلمان باشد و خواه کافر. لذا گزینه‌های «۲ و ۴» چون میان مسلمان و کافر فرق گذاشته‌اند، رد می‌شوند و گزینه «۳» چون به جای لفظ «باید» از لفظ «می‌تواند» استفاده کرده است، رد می‌شود و جواب این سؤال گزینه «۱» است.

۷ گزینه ۴ کسانی که می‌توانند از بیت المال روزی بخورند، عبارتند از: (۱) اذان گو (۲) کسی که کارش تقسیم کردن اموال شرکاء و صاحبان حق، است (قاسم) (۳) نویسندگانی که برای امام می‌نویسد (۴) معلم قرآن (۵) معلم آداب (۶)

دفتر داری که اسامی قضاات و ارتشیان و مقدار حقوق آنها و سایر مصالح کشوری در دست اوست، (۷) متولی بیت‌المال، یعنی کسی که از آن نگهداری می‌کند، لذا مراد از قاسم، گزینه «۴» است.

۸ گزینه ۳ عبارت می‌خواهد بگوید که، همان‌طور که گرفتن رشوه بر گیرنده آن حرام است، دادن آن بر دهنده‌اش هم حرام است. چون رشوه‌دهنده، با این کار به گناه و عدوان کمک می‌کند، (البته مگر آنکه رشوه دهنده، برای رسیدن به حق خود چاره‌ای جز رشوه‌دادن نداشته باشد) لذا جواب این سؤال گزینه «۳» است.

۹ گزینه ۳ کسانی که می‌توانند از بیت‌المال روزی بخورند، عبارتند از: اذان گو، کسی که کارش تقسیم‌کردن است (قاسم)، نویسنده‌ای که برای امام می‌نویسد یا برای ضبط بیت‌المال یا برای ضبط اسناد و مدارک طرفین دعوا و یا این قبیل از مصالح اسلامی، معلّم قرآن، معلّم آداب، مانند معلّم ادبیات عرب، علم اخلاق و... دفترداری که اسامی قضاات و ارتشیان و مقدار حقوق آن‌ها و سایر مصالح کشوری در دست اوست، و متولی بیت‌المال، یعنی کسی که از آن نگهداری می‌کند و مقدار موجودی را می‌نویسد و آن را برطبق دستور به مصرف می‌رساند و اگر قاضی، نیاز داشته باشد، خواه قضاوت بر او متعیّن شده باشد و خواه نشده باشد، می‌تواند از بیت‌المال روزی بخورد، لذا گزینه‌های «۱» و «۲» و «۴» رد می‌شوند، چون اولاً اشاره به «قاضی غیرمحتاج» کرده‌اند و ثانیاً اشاره نکرده‌اند که خواه قضاوت بر او متعیّن شده است یا نه، لذا گزینه «۳» جواب این سوال است.

۱۰ گزینه ۱ قاضی منصوب از طرف امام (علیه السلام) باید دارای کمال، که با بلوغ، عقل و حلال زاده بودن حاصل می‌شود، عدالت، که ایمان یعنی شیعه دوازده امامی بودن نیز در آن داخل می‌شود، شایستگی برای فتوا دادن، به این صورت که از دانش‌های لازم برای اجتهاد برخوردار باشد، ذکوریت، توانایی نوشتن، چون ضبط وقایع بدون آن برای غیر پیامبر دشوار است، و بینایی، باشد، چون که قاضی باید بتواند دو طرف دعوا را از یکدیگر تشخیص دهد، لذا چون ایمان داخل در عدالت است، پس گزینه «۱» جواب این سوال است.

۱۱ گزینه ۲ سزاوار است که عبارات قسم را غلیظ کند، مانند قسم به خدایی که

جز او خدایی نیست و نیز مستحب است از جهت زمان هم تغلیظ کند، مانند سوگند خوردن در روز جمعه و عید و پس از زوال خورشید و نیز از جهت مکان، مانند اینکه او را اگر در مکه است در کعبه یا حطیم (مابین رکن و مقام) یا مقام ابراهیم یا مسجدالحرام و یا در داخل محدوده حرم سوگند دهد و اگر در مسجد الاقصی باشند، در زیر سنگ بزرگ قسم دهد و اگر در مساجد دیگری باشند، در محراب مسجد سوگند دهد، لذا «حطیم» مکان است، پس گزینه «۲» جواب این سوال است.

۱۲ گزینه ۴ قاضی حق گرفتن جُعَل (مقرری) و یا مزد از صاحبان دعوا و نیز از غیر آنها، را ندارد، چون آن مال در معنای رشوه است و لذا فقط «جعل» با ضمه خوانده می‌شود، پس گزینه‌های «۱» و «۳» که رد می‌شوند و چون بر روی (لام) هم باید ضمه بیاید، پس گزینه «۱» هم رد می‌شود و گزینه «۴» جواب این سوال است.

۱۳ گزینه ۴ هر امری که با یک شاهد مرد و دو شاهد زن به اثبات می‌رسد، با یک شاهد مرد و قسم هم به اثبات می‌رسد و آن کلیه حقوق مالی و یا هر آن چیزی است که در حکم مال است. وکالت، مالی نیست چون مقصود در آن ولایت دادن است، لذا گزینه «۱» رد می‌شود. نکاح، مالی نیست چون مقصود ذاتی از آن اقامه سنت پیامبر و جلوگیری از حرام می‌باشد، لذا گزینه «۲» هم رد می‌شود. عیوب مردان هم مالی نیست، پس گزینه «۳» هم رد می‌شود. اما قتل کافری توسط مسلمان مالی است چون مسلمان را به واسطه قتل کافر نمی‌کشند، پس گزینه «۴» جواب این سوال است.

۱۴ گزینه ۲ اگر یکی از شرکاء، مهایه را درخواست کند، (مهایه، یعنی موافقت کردن شرکاء بر تقسیم منفعت مال مشترک به حسب اجزای مال و یا به حسب زمان) چنین درخواستی جایز است ولی پذیرفتن آن واجب نیست. و فرقی ندارد که مال مشترک از اموالی باشد که تقسیم اجباری آن صحیح است یا از چنین اموالی نباشد. و در صورت پذیرفتن این درخواست، وفا کردن به تقسیم مهایاتی لازم نیست، بلکه بر هر یک از شرکاء جایز است که آن را فسخ کند، لذا با این توضیحات مُراد از مهایه گزینه «۲» است.

۱۵ گزینه ۴ عبارت می‌خواهد بگوید که، قاضی تحکیم، کسی است که طرفین

دعوا، با وجود قاضی‌ای که از طرف امام (علیه السلام) منصوب شده است، او را برای قضاوت میان خود انتخاب می‌کنند و آن قاضی در زمان حضور امام قابل تصور است، لذا بهترین گزینه برای جواب به این سؤال گزینه «۴» است.

۱۶ گزینه ۱ عبارت می‌گوید که: مدعی کسی است که اگر خصومت را واگذارد، رها می‌شود، و این همان است که گفته‌اند: مدعی، کسی است که با سکوت کردن او، رها می‌شود. برخی گفته‌اند: مدعی، کسی است که ادعایش مخالف با اصل است و یا برخلاف ظاهر حال است، منکر در تمامی موارد، در مقابل مدعی است، یعنی اولاً: قولش موافق اصل و یا ظاهر است. ثانیاً: با سکوتش، دعوی تمام نمی‌شود، لذا جواب این سؤال گزینه «۱» است.

۱۷ گزینه ۴ عبارت می‌خواهد بگوید که، قضاوت کردن بین مردم برای کسانی که شایستگی آن را دارند، واجب کفایی است مگر در زمان حضور امام که وظیفه ایشان و نایب ایشان است، لذا مراد از لفظ «حکم» گزینه «۴» است.

۱۸ گزینه ۱ قاضی منصوب از طرف امام (علیه السلام) باید دارای کمال، که با بلوغ، عقل و حلال‌زاده بودن حاصل می‌شود، عدالت که ایمان نیز در آن داخل می‌شود، شایستگی برای فتوادادن به این صورت که از دانش‌های لازم برای اجتهاد برخوردار باشد، ذکوریت، توانایی نوشتن، چون ضبط وقایع بدون آن برای غیر پیامبر دشوار است و بینایی باشد، چون که قاضی باید بتواند دو طرف دعوا را از یکدیگر تشخیص دهد و این در صورت نابینایی، برای غیر پیامبر، ممکن نیست. از شرایطی که مصنف معتبر دانست سه شرط باقی می‌ماند: غلبه حافظه، لال نبودن و آزادی که البته ممکن است غلبه حافظه را در کمال بتوان دانست. این شرایط که بیان شد، در تمامی قضاوت باید باشد مگر قاضی تحکیم که البته قاضی تحکیم هم باید اکثر این شرایط را دارا باشد، لذا مراد از «بصر» صرف بینا بودن است نه بصیرت فقهی و قضایی و... پس گزینه «۱» جواب این سؤال است.

۱۹ گزینه ۱ سزاوار است که عبارات قسم را غلیظ کند، مانند قسم به خدایی که جز او خدایی نیست. همچنین مستحب است از جهت زمان هم غلیظ کند، مانند سوگند خوردن در روز جمعه و عید و پس از زوال خورشید و پس از نماز عصر و نیز از جهت مکان، مانند اینکه وی را اگر در مکه باشد، در کعبه یا حطیم یا مقام ابراهیم یا مسجدالحرام و یا در داخل محدوده حرم سوگند دهد. و اگر

در مسجدالاقصی باشند در زیر سنگ بزرگ قسم دهد. و اگر در مساجد دیگری باشد، در محراب مسجد سوگند دهد. تغلیظ سوگند در همه دعواهای حقوقی مستحب است مگر در حقوق مالی که خواسته دعوا از مقدار نصاب قطع دست دزد که یک چهارم دینار است، کمتر باشد. در ضمن بر قسم خورنده واجب نیست که به تغلیظ در قسم گردن نهد، با این توضیحات، سوگند در مساجد معمولی، فقط در محراب است که می‌توان غلیظ آن را بیان کرد، پس گزینه «۱» جواب این سؤال است.

۲۵ گزینه ۱ چند امر بر قاضی حرام است: (۱) رشوه‌گرفتن و البته بر رشوه‌دهنده هم حرام است، چون رشوه‌دهنده با این کار به گناه و عدوان کمک می‌کند. (ب) تلقین کردن، یعنی یاددادن راه استدلال به یکی از طرفین نزاع و یا چیزی که در آن بر طرف مقابلش ضرری باشد.

گزینه «۲» اشاره به آن دارد که قاضی، طرفین نزاع را نصیحت کند که آنها سازش کنند که این از مواردی است که بر قاضی مستحب است.

گزینه «۳ و ۴» اشاره دارد به آنکه قاضی در مورد اسقاط حق صاحب حق وساطت کند و یا در مورد باطل کردن ادعای مدعی وساطت کند و یا قضاوت کردن در حال مشغولیت قلبی، به سبب چرت زدن، هم و غم داشتن، خشمگین بودن، گرسنگی، سیری و... که این موارد بر قاضی مکروه است، لذا چون سؤال موردی را خواسته است که حرام است، لذا گزینه «۱» جواب این سؤال است.

۳۱ گزینه ۳ سوگندخورنده باید همیشه درباره فعل و ترک خودش و نیز درباره فعل دیگری به طور قطع و یقین قسم بخورد. چون این سه مورد متضمن آن است که وی از واقعه آگاه است و با همین آگاهی است که امکان قسم خوردن قاطعانه برای وی وجود دارد. ولی باید درباره نفی کار دیگری، بر عدم آگاهی خود قسم بخورد. مانند آنجا که علیه مورث انسان مالی ادعا شود، در این جا کافی است که وارث بر اطلاع نداشتن از آن مبلغ قسم بخورد، چون اطلاع پیدا کردن بر مدیون نبودن مورث، دشوار است برخلاف اثبات فعل غیر، چون اطلاع یافتن از آن دشوار نیست، لذا جواب این سؤال گزینه «۳» یعنی ترک فعل دیگری است.

۳۲ گزینه ۱ گزینه «۲» می‌گوید که: برای قاضی، گرفتن اجرت، جایز است اگر